

گفت‌وگوی روزنامه صبا با عوامل نمایش «مغازه خودکشی»

شکستن چرخه مرگی که به میراث مانده است

هستند و برای نخستین بار روی صحنه می‌آیند. این پروژه قرار بود پروژه نهایی آن دوره باشد. اما اتفاقات خوبی برایش افتاد و به این مرحله رسید. ولی ریسک اصلی از جایی شروع شد که نمایش به سمت جشنواره‌ها و اجراهای عمومی رفت و برای ما این دغدغه بیشتر می‌شد که آیا نتیجه می‌گیریم یا نه؟ بخصوص با توجه به سبک خاصی که برای کار در نظر گرفتیم، سبکی که تقریباً سبکی نو و مدلی متفاوت از فانتزی است و به همین علت روی کلمه «انیمیشنی» خیلی تأکید دارم؛ چون نمایش ما یک تئاتر انیمیشنی است. یعنی از قوانین انیمیشن در تئاتر استفاده شده است؛ در واقع تلفیق تئاتر و انیمیشن است. در واقع ما همان سال گذشته با نمایش «مارسی ۱۹۹۶» به این باور رسیدیم که می‌توانیم از این سبک اجرایی نتیجه بگیریم، و تصمیم گرفتیم که این ریسک را بپذیریم و قدم‌های بزرگ‌تری برای این سبک نمایشی برداریم.

روند اجرای نمایش «مغازه خودکشی» از کجا آغاز شد و چه مسیری را طی کرد تا به تماشخانه هما رسید؟ همچنین در این مسیر، در چه جشنواره‌هایی شرکت کردید و چه موفقیت‌هایی کسب کردید؟

ما تقریباً یک سال پیش، همین روزها بود که کارگاه‌ها را شروع و تمرینات را آغاز کردیم. اولش، آن قدری جدی نبود، ولی به مرور جدی‌تر شد. چند نفر از بازیگران باتجربه منطقه را هم به گروه آوردیم، مثل آرزو صراف رضایی، داوود گراوند و مهتاب کیوان جو و تصمیم گرفتیم که این کار را به جشنواره تئاتر استان تهران بفرستیم. جشنواره‌ای که ۱۶ شهرستان استان تهران آثارشان را برایش ارسال می‌کنند و در یک رقابت قرار می‌گیرند که خروجی آن معرفی آثار برتر به جشنواره فجر است. ما در آن جشنواره موفقیت بسیار زیادی کسب کردیم از جمله هفت نامزدی که به دریافت شش جایزه ختم شد؛ پس از آن، ما به جشنواره فجر معرفی شدیم، ولی متأسفانه نمی‌دانم در نهایت به چه دلیلی به این جشنواره راه پیدا نکردیم. بعد از آن، ما هشت اجرا در شهر بومهن، در شهرستان پردیس داشتیم و آقای شهاب‌الدین حسین‌پور به واسطه ارتباط نزدیکی که با یکی از بازیگران ما داشتند، آمدند و نمایش ما را دیدند و خوش‌شان آمد و پیروان آن ایشان با آقای سام درخشانی صحبت کردند. اتفاق جالبی که برای ما افتاد این بود که آقای سام درخشانی عزیز، شخصاً به شهرستان پردیس آمدند و کار ما را دیدند. ایشان هم خوش‌شان آمد و گفتند که پتانسیل زیادی در این کار می‌بینند و امیدوارند که نمایش بتواند شش ماه یا یک سال اجرا برود. ما در حال حاضر در ماه چهارم اجرای مان هستیم و پس از دو اجرای دیگر صد اجرایی خواهیم شد.

سخن پایانی

دلم می‌خواهد مخاطبان در مورد سبک نمایشی مابیشتر بدانند چون گاهی بعضی از تماشاگران به اشتباه تصور می‌کنند که نمایش کودک است هر چند که خوشبختانه اکثر مخاطبان فضای نمایش را دوست دارند و ارتباط می‌گیرند. در کشورهای خارجی، سبکی به نام تئاتر موزیکال وجود دارد که کودک نیست یعنی بالینکه در آن شعر و آواز وجود دارد اما نمایش کودک محسوب نمی‌شود. فکر می‌کنم اگر

نمایش مغازه خودکشی که اقتباسی از رمانی به همین نام و به نویسندگی حمیدرضا حیم متولی است با کارگردانی حسین نصیری و از امروز هفده تیر ماه دور تازه اجراهایش را در عمارت هما که پیشتر نیز میزبان این اجرا بود آغاز می‌کند. در این نمایش که مورد استقبال مخاطبان بوده در یک جهان آخرالزمانی به مقوله سنت و مرگ و تجدد و زندگی در غالبی انیمیشنی پرداخته و تلاش شده تا تصویری جدیدی از این اثر پر تکرار در عرصه نمایش کشور به مخاطب ارائه شود. در ادامه گپ و گفت خبرنگار روزنامه صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

مریم عظیمی
گفت‌وگو



گفته اساتید و بزرگان و مخاطبانی که کار را دیده‌اند به اقتباس موفق رسیده‌ایم.

با توجه به اینکه این اثر پیش‌تر توسط گروه‌های زیادی روی صحنه رفته آیا انتخاب این اثر برای اجرا برای شما ریسک نداشت؟

این موضوع برای ما کاملاً یک ریسک بود، ولی نه در شروع ماجرا چون این پروژه در اصل یک پروژه آموزشی بود. ما یک کارگاه کوتاه با چند نفر از دوستان داشتیم و تمام اعضای گروه ما به غیر از دو نفر از شهرستان‌های دماوند و پردیس هستند. این کارگاه هم در شهر پردیس و با شش نفر آغاز شد، و حالا چهار نفر از همان اعضا در این نمایش حضور دارند که کار اولی

حسین نصیری، کارگردان:

در تئاتر اول انسانیت و گروه بودن مهم است

از نقطه آغاز انتخاب این رمان و اینکه چطور شد سراغ «مغازه خودکشی» رفتید بگویید.

من کتاب مغازه خودکشی را چندین سال پیش خوانده بودم و خیلی به آن علاقه‌مند بودم. سال گذشته ما با نمایش «مارسی ۱۹۹۶» تجربه موفق داشتیم. فضای انتخابی برای آن نمایش حالت انیمیشنی داشت یعنی حرکت بازیگرها و کلیت فرم کار حالتی اکسپرسیونیستی داشت که ما به آن فانتزی هم اضافه کردیم و تبدیل به حرکات انیمیشنی شد. بعد از آن تجربه، وقتی خواستم یک متن دیگر را دست بگیرم بعد از جست‌وجوی زیاد، ناگهان یاد مغازه خودکشی افتادم و دیدم آن طنز تلخی که دارد، دقیقاً با همان سبک اجرایی ما هماهنگ است؛ همان سبک انیمیشنی که در «مارسی ۱۹۹۶» هم استفاده کرده بودیم. این گونه شد که کار روی این اثر را انتخاب کردم بعد با حمید متولی عزیز گفت‌وگو کردیم و قرار شد که هم از کتاب اصلی کمی فاصله بگیریم و هم به اصل اثر وفادار باقی بمانیم بنابراین چند کاراکتر افزوده شد، برخی دیالوگ‌ها را تغییر دادیم و بعضی اتفاقات را هم به داستان افزودیم. اما روند اصلی، همان روند داستان اصلی است یعنی در عین حال که وفادار مانده‌ایم، سعی کردیم مفاهیم خودمان را نیز وارد کنیم و برخی جابه‌جایی‌ها انجام دهیم. در نهایت فکر می‌کنم طبق

